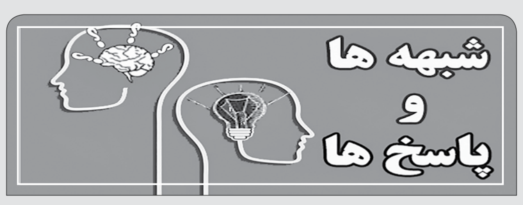

حجیت و مصونیت ذاتی قرآن

چگونه می‌توان ثابت کرد که قرآن حجیت دارد؟ آیا حجیت قرآن ذاتی است و از مصونیت ذاتی برخوردار است؟

حجّـت در لغت: دلیل و برهان.(۱) در اصطلاح: هر چیزی که می‌تواند مورد احتجاج و استدلال علیه چیزی واقع شود.(۲)

اقسام حجت

۱- حجت منطقی: عبارت است از مجموعه مرکب از چند قضیه برای به نتیجه رساندن مطلوب، اعم از اینکه در مقام خصومت و یا غیر آن باشد.(۳)

۲- حجت قطعی: حجتی است که مفید یقین باشد و مقصود از آن رسیدن به نتیجه قطعی است.(۴)

در این راستا قرآن شریف می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»(۵) ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.

> **قرآن اگر درباره خویش ادعا می‌کند که کلام خداست، با دلیل می‌گوید؛ و نشانه‌اش آن است که همه مردم جهان را به مبارزه دعوت کرده؛ و اگر به توحید، دین، وحی، رسالت و معاد رهنمون می‌شود، دلیل هر کدام را به همراه آن می‌آورد.**

برهان یعنی ظهور؛ و به دلیلی برهان گفته می‌شود که ظاهر و قطعی باشد. از این رو به چیزی که روشن است و تاریک و مبهم نیست برهان می‌گویند. موسای کلیم ـ ع ـ که با عصا و ید بیضا مبعوث شد، خداوند به او فرمود: «دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می‌شود سفید و درخشنده است بدون عیب و نقص؛ و دست‌هایت را بر سینه‌ات بگذار، تا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو [= معجزه عصا و ید بیضا] برهان روشن از پروردگارت به سوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!»(۶) یعنی این دو معجزه، دو برهان و دلیل و شاهد روشنی هستند که جای هیچ شکی را باقی نمی‌گذارند.

قرآن کریم محتوایی دارد که با فطرت درونی انسان‌ها هماهنگ و با جهان بیرونی مطابق است و از نظر شکل و قالب بیان هم به صورت برهانی و روشن و با دلیل قاطع است. اگر درباره خویش ادعا می‌کند که کلام خداست، با دلیل می‌گوید؛ و نشانه‌اش آن است که همه مردم جهان را به مبارزه دعوت کرده؛ و اگر به توحید، دین، وحی، رسالت و معاد رهنمون می‌شود، دلیل هر کدام را به همراه آن می‌آورد.(۷)

با این توضیح، سؤال این است که آیا حجیت قرآن ذاتی است؟

استاد جوادی آملی، در تفسیر شریف تسنیم می‌فرمایند: قرآن سند رسالت است بی‌واسطه و سند امامت است با واسطه؛ ولی خود، هم در سند از غیر بی‌نیاز است و هم در دلالت(یعنی ادعای اثبات نبوت و امامت منوط به وجود قرآن کریم است اما خودمحتاج کسی نمی‌باشد). و حجیت آن، از هر دو جهت ذاتی است (البته نه ذاتی اولی مانند برهان قطعی، بلکه نسبت به سنت ذاتی است). بنابراین، روایات باید در دامان قرآن به نصاب حجیت برسد و در تأیید محتوا با قرآن ارزیابی شود.(۸)

قرآن کریم حجیت بالفعل و مستقل است و در اصل حجیت، نیاز به غیر خود ندارد. اعتبار قرآن و حجیت استقلالی آن در مقام ثبوت است و گرنه در مقام اثبات نیازمند به وسیله است و قرآن مجید حجیت مستقل خویش را در مرحله اثبات (نه ثبوت) به دو طریق احراز می‌کند:

۱. طریق اوّلی راه اولیاست که با شهود باطنی و علم حضوری، حقانیت قرآن را می‌یابند و به آن قطع شهودی (عین الیقین) پیدا می‌کنند.

۲. طریق دوم راه حکیمان است که با علم حصولی و برهان عقلی به حجیت قرآن می‌رسند.(۹)

قرآن تا قیامت، استوار و غیر قابل نسخ است. نگهبان کتب آسمانی و در بردارنده تمام مصالح بندگان است. تناقض، اختلاف، افراط و تفریط در آن راه ندارد. دعوت به قیام می‌کند.(۱۰)

قرآن کتاب استوار، برپا دارنده و سامان بخش است. بنابراین قرآن همانند خورشید و ماه در هر زمان و مکانی درخشـان، نورانی و خاموش نشدنی است و هیچ انحراف و کجی در آن راه ندارد.(۱۱)

قرآن کتاب نورانی است. خاصیت نورانی بودن قرآن این است که هم معارف آن روشن و مصون از ابهام و تیرگی است؛ و هم جوامع بشری را از هر گونه تاریکی اعتقادی و اخلاقی یا سرگردانی در انتخاب راه یا تحیر در ترجیح هدف و مانند آن می‌رهاند و به شبستان روشن صراط مستقیم و هدف راستین بهشت عدن می‌رساند.

قرآن کریم کتاب نوری است که از مبدأ نازل شده و باید هم در ذات خود روشن باشد و هم روشنگر دیگر اشیاء و اشخاص و این خاصیت نور است.

قرآن کریم نور واحدی است که روزنه‌ها و شعبه‌هایی دارد که همان سوره‌های قرآن است.

قرآن نور محض الهی است. هر چیزی که ظلمت و تاریکی باشد، از آن به دور است. لغز و معما و ابهام و پیچیدگی در ساحت نورانی قرآن راه ندارد؛ البته نورانیت قرآن در آیاتش تفاوت دارد. برخی از آیات مانند شمس و برخی چون قمر و برخی مانند ستارگان دیگر است، ولی در عین شدت و ضعف نوری، هیچ آیه‌ای در سراسر قرآن نمی‌توان یافت که نورانی نباشد.(۱۲)

مصونیت قرآن

مصونیت یعنی محفوظ ماندن از تعرض و تحریف. قرآن باید تا قیامت محفوظ باشد و به همه افراد بشر برسد. قرآن کریم که معجزه ختمیه است، وقتی حجت بر مردم خواهد بود که خود از گزند هر گونه تحریفی در امان باشد و فرشتگان که رصد الهی‌اند، این وظیفه خطیر را بر عهده دارند.

> **قرآن باید تا قیامت محفوظ باشد و به همه افراد بشر برسد. قرآن کریم که معجزه ختمیه است، وقتی حجت بر مردم خواهد بود که خود از گزند هر گونه تحریفی در امان باشد و فرشتگان که رصد الهی‌اند، این وظیفه خطیر را بر عهده دارند.**

خداوند در قرآن شریف می‌فرماید: «به درستی که ما ذکر را فرستادیم و ما خود حافظ آن خواهیم بود».(۱۳)

خدای سبحان از رسول اکرم ـ صلّی الله علیه و آله ـ و کتاب خود، دفاع می‌کند و قرآن کریم را احسن الحدیث(۱۴) می‌داند که هیچ گاه کهنه نمی‌شود و بطلان در آن راه ندارد و آن را ذکر محفوظ و نور خاموش نشدنی اعلام می‌دارد. هیچ بطلانی از درون و بیرون بر آن چیره نشود، نور هدایتی باشد که همیشه پرفروغ است، هرگز به خاموشی نمی‌گراید.

تذکره محفوظی برای فطرت الهی انسـان‌ها باشـد و همیشه آنان را به سوی مبدأ و آفریدگار خود سوق دهد.(۱۵)

قرآن کتاب هدایتی است که هیچ شک و ریبی در آن راه ندارد؛ نه در اصل ادعای اعجاز آن و نه در هدایتگری،محتوا و معارف آن. کتابی که سراسـر حق اسـت و بطلان در آن راه ندارد. کتابی که از ناحیه الله آمده و روشن و روشنگر است.(۱۶)

سخن قرآن این است که اگر چراغ روشن درون انسان که همان عقل و فطرت اوست، بر اثر گناه، کفر و نفاق خاموش گردد، انسان، کوردل می‌شود و اگر نهان کسی کور باشد، قدرت تشخیص بین حق و باطل را ندارد، آنگاه تفاوت کلام الله و کلام بشر را درک نمی‌کند؛ و همان گونه که در کلام بشر شک می‌کند، در کلام الله نیز شک می‌کند.(۱۷)

مصونیت قرآن مجید موهبت الهی و در ارتباط مستقیم با خداست. هم قرآن از مصونیت برخوردار است و هم معصومین در دریافت وحی الهی از مصونیت برخوردارند و مصونیت از گناه، خطا، در امر تبلیغ و بیان اصول و فروع دین دارند.

قرآن شریف در مرحله ثبوت، از حجیت و مصونیت ذاتی برخوردار است و هیچ گونه تاریکی، اختلاف و تعارض در آن راه ندارد و از هر گونه تعرض و دستبرد در امان است.

ظاهـر و باطن قـرآن حجیت و مدرکیت دارد و می‌توان در موارد مختلف به آن تکیه کرد و آن را مورد عمل قرار داد و در گفتار و نظریات و استدلال‌های خویش به آن تمسک جست. زیرا قرآن از حجیت ذاتی و مستقل برخوردار است و از این جهت برای عموم مردم حجت و مدرک است.(۱۸)

از طرفی آیات فراوانی دلالت بر مصونیت قرآن شریف دارد و تا ابد قرآن را مصون می‌داند و دست خیانت نمی‌تواند در قرآن مجید وارد شود. حجیت و مصونیت قرآن از اول با خود قرآن بوده و ذاتی است، نه اینکه بعد از نازل شدن از سوی خدا به آن متوجه شده است.(۱۹)

---

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۴۱. ۲و۳. مظفـر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۲. ۴. معین، محمد، فرهنگ فارسـی، ج۱، ص ۱۳۴۱. ۵. نسـاء/ ۱۷۴. ۶. قصص/ ۳۲. ۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، قم، انتشارات اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۴. ۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، انتشارات اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۸۵. ۹. همان، ص ۱۰۵. ۱۰. قرائتی، محسـن، تفسـیر سوره نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۳۹. ۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۶۲. ۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، انتشارات اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸ هـ ش، ج۱، ص ۳۵۷. ۱۳. حجـر/ ۹. ۱۴. زمـر/ ۲۳. ۱۵. جواد آملی، عبدالله، همان. ۱۶. رعد/۱. ۱۷. جوادی آملی، عبدالله، همان، صص ۳۶۱ ـ ۳۶۴. ۱۸. خویی، سـید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه صادق نجمی و هاشم زاده هریسی، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص۴۱۳. ۱۹. همان، ص ۴۲۳.

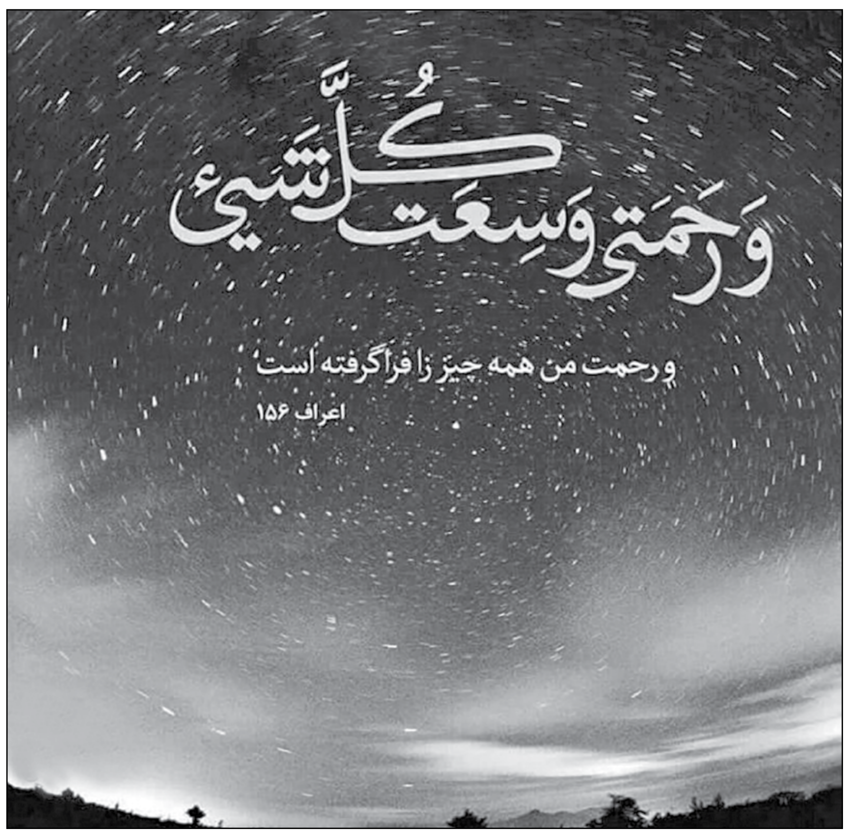
وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
و رحمت من همه چیز را فراگرفته است
اعراف ۱۵۶

راه‌های بهره‌مندی از رحمت خداوند

مهدی یوسفیان

همه هستی جلوه رحمت عمومی و فراگیر الهی است و علت خلقت و ربوبیت و پروردگاری در همیـن رحمت الهی نهفته اسـت؛ اما برای خداوند جلوه دیگری از رحمت خاص است که از آن به رحمت رحیمی یاد می‌شود. از نشانه‌های آن می‌توان به جلوه‌های بهشـت در آخرت و عنایت خاص به مؤمنان در دنیا به نام فضل الهی اشاره کرد.

نویسنده در این مطلب، ضمن اشاره به برخی از جلوه‌های رحمت الهـی، زمینه‌ها و راه‌های برخورداری از رحمت الهی را تشریح کرده است.

***

رحمت خداوند و جلوه‌های آن

رحمت، به معنای نرمی و نرمخویی است که نیکی کردن به مورد رحمت را اقتضا می کند. این واژه گاهی به معنای مهربانی و نرم دلی به طور مجرّد و گاهی در معنای احسـان و نیکی کردن که مجرّد از رقّت باشد، به کار می‌رود. اما هرگاه خدای متعال با این واژه وصف شود، چیزی جز احسانِ مجرّد و بدون رقّت و رحم دلی مراد نیست.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۳۴۷)

همه هسـتی مظهر رحمت الهی است؛ از این رو به بشر فرمان می‌دهد برای شناخت خداوند و اوصاف کمالی‌اش، در گستره هسـتی بنگرد تا این‌گونه آثار رحمت الهی را در همه چیز ببینند. این بدان معناست که هسـتی بر بنیاد رحمت الهی نهاده شده که انسان اگر در هر چیزی از هستی بنگرد و در آن تدبر و دقت روا دارد، آثار رحمت الهی را می‌بینند.(روم، آیه ۵۰) در این آیه به نمونه‌هایی از آثار رحمت چون احیای زمین و حیات بخشیدن به آن از راه باران و پیدایش زندگی و حیات پس از آن اشاره شده است. این بدان معناست که همه هستی به عنوان مخلوق الهی و به‌ویژه زندگی و حیات بخشیدن به مرده و بی‌جان، از مصادیق رحمت الهی است. از آیه بسمله نیز این معنا به دست می‌آید، چـرا که خداوند در این آیه با بیان اینکه پس از ظهور و بروز در تمام و کمال خود (الله)، نخستین جلوه‌اش، رحمت رحمانی و فراگیر بـوده و جلوه بعدی‌اش نیز رحمت رحیمی و خاص اسـت. در روایات ماثور آمده است که «رحمان» نظر به رحمت واسعه خدا در دنیا و آخـرت و «رحیم» نظر به رحمت ویژه او در آخرت دارد. (الدّرّالمنثور، ج ۱، ص ۲۳) بنابراین اگر به هستی نگریسته شود، جز آثار رحمت الهی در دو شکل عمومی و خاص دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد که جایی برای غضب نیست. از این جهت است که رحمت خویش را مقدم بر غضب خویش می‌داند.

> **در آیـات قـرآن بیش از صد و بیسـت مـورد از جلوه‌هـای عـام و خاص رحمت الهی بیان شده است که از آن جمله می‌توان به قرآن، وجود مقدس پیامبر، نبوت، رهایـی از عذاب، هدایـت، قیامت، زندگی و حیات، ثروت به انسان‌ها و مانند آن اشاره کرد.**

در آیات قرآن بیش از صد و بیست مورد از جلوه‌های عام و خاص رحمت الهی بیان شـده اسـت که از آن جمله می‌توان به قرآن(انعام، آیه ۱۵۷)، وجود مقدس پیامبـر(آل عمران، آیه ۱۵۹)، نبـوت(آل عمران، آیه ۷۴)، رهایی از عذاب(انعام، آیه ۱۵ و ۱۶)، هدایت (آل عمران، آیه ۷۳ و ۷۴)، قیامت(یس، آیه ۵۲)، زندگی و حیات(ملک، آیه ۲۸)، ثروت به انسـان‌ها (مریم، آیات ۷۷ و ۷۸) و مانند آن اشاره کرد.

خداوند، پیامبرش را به عنوان رحمت برای جهانیان می‌ستاید و وجودش را جلوه‌ای کامل از خود و مظهر الله دانسته است. لذا آن حضرت جلوه‌ای از رحمت عام و خاص خداوند می‌باشد.(انبیاء، آیه ۱۰۷)

آثار رحمت الهی در پیامبر(ص) جلوه‌های زیبایی یافته است. بیان این جلوه‌های زیبا بدان معناست که هر کسی مظهر رحمت الهی باشد، این‌گونه است. بنابراین، جلوه‌ها و آثار رحمت در هرکسی نمودی دارد که باید به آن توجه کنـد و از این طریق می‌توان دریافت که شخص در چه مقام مظهریتی از این جلوه‌گری رحمت است.(آل عمران، آیه ۱۵۹)

خوشـخویی و برخورد نرم با دیگران از جلوه‌های رحمت است. اگر کسی مظهر رحمت شد، باید در رفتار و کردار خویش آن را به نمایش گذارد. هر گونه تندخویی بیانگر آن است که نه تنها رحمت الهی را به سوی خود جلب نکرده بلکه غضب الهی را در خود جلوه داده است.

انسان خوشخو بهره‌مند از رحمت الهی است و آن را نسبت به دیگران به نمایش می‌گذارد و مظهر رحمت الهی می‌شود و خداوند او را مجرای فیض رحمت خویش قرار می‌دهد.

یکی از آثار رحمت وحی است. اگر خداوند به کسی رحمت کند او را به اشکال گوناگون از معارف بلند خود بهره مند می‌سـازد. هر چه مرتبه انسان در مظهریت رحمـت بالاتر برود، بهره مندی وی از رحمت خداوند در این حوزه معرفتی نیز بیشتر می‌شود. پیامبر(ص) چون جلوه کامل اسمای الهی به‌ویژه رحمت رحمانی و رحیمی خداوند است، در مرتبه اوج بهره‌مندی از رحمت الهی قرار گرفته و از وحی خاص بهره‌مند شده و معارفی بلند را دریافت کرده است.

از این رو خداوند در آیات ۳۱ و ۳۲ سـوره زخرف نبـوت آن حضرت را جلوه رحمت پروردگاری خویش معرفی می کند؛ چرا که رحمت پروردگار در حق ایشان جز مقام بلند قاب قوسین او ادنی نیست. (نگاه کنید: مجمع البیـان، ج ۹ و ۱۰، ص ۷۱) تثبیت مفاهیم و معارف بلند مانند قرآن و جاودانگی آنها در قلب و جان آدمی، از جلوه‌های رحمت الهی در شخص است. این معنا را می‌توان از آیات ۸۶ و ۸۷ سوره اسراء به دست آورد. از جلوه‌های رحمت الهـی می‌توان به رهایی از گمراهی و رسـیدن به مصونیت از خسران ابدی اشاره کرد.(نساء، آیه ۱۱۳)

نوعی عصمت در پناه رحمت ایجاد می‌شود و از هر گونه خطا و اشتباه و گناه و گمراهی در امان می‌ماند. (همان) هر چه انسان در مراتب مظهریت اوج گیرد و خداوند رحمت خاص خویش را به او متوجه سـازد، از عصمت برتری بهره مند می‌شود.(همان)

قرآن در آیات ۲۶ و ۲۸ سوره اسراء، این معنا را مورد توجه قرار می‌دهد که انسان‌ها اگر در مسیری قرار گیرند که رحمت الهی را به خود جلب کنند، خداوند از مال و امکانات او را بهره مند می‌کند تا از آنها برای رسیدن به کمالات برتر استفاده کنند.

زمینه‌های رحمت

دستیابی به رحمت الهی به‌ویژه رحمت رحیمی، نیازمند ایجاد شرایط و بسترهایی است که در این‌جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

این بسـتر و زمینه در دو حوزه حسـن فاعلی و حسن فعلی یعنی در ایمان و عمل صالح خود را نشان می‌دهد. خداوند در آیات متعددی به اهمیت ایمان در زمینه برخورداری از رحمت الهی توجه می‌دهد که از آن جمله می‌توان به آیات ۲۱۸ سوره بقره، ۲۹ و ۱۵۲ و ۱۷۵ سوره نساء اشاره کرد. بنابراین، کسی که ایمان نداشته و از نظر نیت و حسن فاعلی به کمال نرسیده باشد، نمی‌تواند از رحمت الهی بهره‌مند شود.

در حوزه عمل صالح در آیات قرآن بیش از ۴۰ مورد تاکید شده که شامل اعمال عبادی در مقام پرستش و اعمال اجتماعی می‌شود.

از جملـه زمینه‌های دسـتیابی به رحمت الهی و برخورداری از آن می‌توان به خشـوع و خضوع در برابر خداوند، (انبیـاء، آیات ۸۶ و ۹۰) اطاعت کامل از خدا و آموزه‌ها و فرمان‌های الهی و دسـتورهای پیامبر،(آل عمـران، آیه ۱۳۲ و توبه، آیـات ۷۱ و ۱۱۷) پرهیز از انواع گناهان چون تجسس، بدگمانی، غیبت (حجرات، آیـه ۱۲)، پنـاه بردن به اسـترجاع جهـت صبر در مشکلات(بقره، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷)، استغفار به پیشگاه خداوند(بقره، آیه ۱۹۹ و نساء، آیات ۶۴ و ۱۰۶ و ۱۱۰)، اصلاح مفاسـد (بقره، آیـات ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۲۹)، تمسک به خداوند(نساء، آیه ۱۷۵)، امر به معروف(توبه، آیه ۷۱)، انابه و توجه به درگاه خداوند(ص، ۳۸)، رعایت تقوا(اعراف، آیه ۳۷)، توبه (بقره، آیه ۳۷)، جهاد(بقره، آیه ۲۱۸)، خیرخواهی (توبه، آیه ۹۱)، پرداخت زکات(اعراف، آیه ۱۵۶)، سـبقت در خیرات(انبیـاء، آیه ۸۶ و ۹۰)، صبر(نساء، آیه ۲۵) و مانند آن اشاره کرد. به سخن دیگر، دستیابی به رحمت به‌ویژه رحمت رحیمی الهی نیازمند ایمان خالص و انجام عمل صالح و در پیش گرفتن تقوا و اجتناب از گناهان و زشتی‌هاست.

> **دستیابی به رحمت به‌ویژه رحمت رحیمی الهی نیازمند ایمان خالص و انجام عمل صالـح و در پیش گرفتن تقوا و اجتناب از گناهان و زشتی‌هاست.**

کسی که این‌گونه عمل کرد، می‌تواند آثار رحمت را در رفتار خویش چون خوشخویی و عصمت، دستیابی به معارف بلند و بهره‌مندی از خیر و برکات در زندگی‌اش ببیند. اگر کسی می‌بیند که از رحمت الهی دور شده، بایـد در رفتار و ایمان خویش شـک کند؛ چرا که در انجام اموری که جلب رحمت می‌کند کوتاهی کرده و نتوانسته است آن را به تمام و کمال بجا آورد؛ یعنی یا حسن فاعلی در آن رعایت نشده یا آنکه کارش حسن فعلی نداشـته است. به سخن دیگر، هر کسی باید با وجود حسن فاعلی و ایمان و نیت نیک و عمل صالح و کارهای نیک، خود را در مرتبه بلندتر بیابد و از برکات رحمت خاص الهی استفاده کند و معرفت و عملش روز بروز نیکوتر شود. پس اگر چنین اتفاقی رخ نداده باید در نیت و عملش شک کرده و به اصلاح و تصحیح آن بپردازد؛ چرا که بر اساس همین آیات پیش گفته و آیات دیگر قرآن این معنا به دست می‌آید که همان عواملی که سبب ایجاد و جلب رحمت الهی هستند، فقدان آن می‌تواند مانع جدی در ایجاد و جلب رحمت الهی باشد.

بسیاری از مردم، هنگامی که خود را بی‌بهره از رحمت به‌ویژه رحمت خاص و فضل الهی می‌یابند و در فهم و درک معارف و معانی بلند در می‌مانند، در مقـام اعتراض به خـدا برمی آیند، در حالی که باید به خود اعتراض کـرده و در مقام نقد خویش برآمـده و خود را بازخواسـت کنند که چه عملی داشته‌اند که مانع از جلب رحمت الهی شده است و در زندگی خویش در مانده شده‌اند. انسان می‌تواند با محاسـبه نفس و بازخواست از خود، زمینه درک درسـت مشـکلات خویش را یافته و با بازسازی و اصلاح در نیت و عمل خویش، زمینه را برای جلب و جذب رحمت‌های خاص و فضل الهی فراهم آورد و در مسـیر کمالات گام‌های بلندی را بردارد و به موفقیت دست یابد.

> **انسان می‌تواند با محاسبه نفس و بازخواست از خود، زمینه درک درست مشـکلات خود را یافته و با بازسازی و اصلاح در نیت و عمل خویش زمینه را برای جلب و جذب رحمت‌های خاص و فضل الهی فراهم آورد و در مسیر کمالات گام‌های بلندی را بردارد و به موفقیت دست یابد.**

مصادیق خیر در قرآن

نرگس دوست‌محمدی

خیر مطلق در برابر شرّ مطلق، چیزهایی مانند عدل، علم، فضل، نافع و مانند آنها است که در همه احوال مورد رغبت همگان اسـت؛ اما خیر مقید مانـند مال و ثروت، ممکن اسـت برای یکی خیر و برای دیگری شرّ باشد. هر چیزی که کمال انسانی را تأمین و آخرت انسان را تضمین می‌کند، خیر مطلق اسـت؛ از نظر قرآن، خود آخرت خیر مطلق است که عاقلان عالم آن را بر دنیا ترجیح می‌دهند و هرگز چیزی را فدای آخرت نمی‌کنند، بلکه دنیای خویش را برای آخرت فدا می‌کنند و با ایثار دنیا، آخرت را می‌طلبند. (اعلی، آیات ۱۶ و ۱۷)

مؤمنان همواره و در همه حال دنبال خیر مطلق هستند کـه در آخرت‌طلبی آنان به نمایش در می‌آید و بر همین اساس دنبال اوصاف خیر و نیک اخلاقی هستند، اما کافران به سبب عدم ایمان به آخرت، از هر چیزی که خیر مطلق است اجتناب می‌کنند؛ زیرا این افراد توبه نمی‌کنند و به سوی خدا باز نمی‌گردند، در حالی که توبه کاری خیر مطلق است و انسـان را از عذاب ابدی و شرور آن در امان نگه می‌دارد. (توبه، آیه ۳) خیر مقید یا نسبی بر خلاف خیر مطلق دارای درجات و مراتب بسیاری است؛ از این رو، خدا از این مراتب سخن به میان می‌آورد و مثلا مال و ثروت را که خیر مقید و نسـبی است و حتی از آن به فتنه تعبیر می‌کند (تغابن، آیه ۱۵) نسبت به آخرت خیر اندک و قلیل می‌شمارد؛ زیرا خیرات آخرتی بی‌حسـاب و ابدی و در تمامیت کمالی و بی‌هیچ نقصی است.(کهف، آیه ۴۰؛ آل عمران، آیه ۱۹۸)

> **عواملی چـون اجتناب از شرک، ایمان به آیات خدا و قدرت خدا، توجه به معاد، خشوع در برابر خدا، خوف و خشـیت از خدا همراه با رغبت و رجا به او، خوف از معاد و مانند آنها مهم‌ترین عوامل در سـبقت‌جویی و سـرعت در کارهای خیر است.**

مصادیق خیر از نظر قرآن

بی‌گمان یکی از راه‌های شناخت خیر مطلق آن است که مصادیق خیر را با مراجعه به قرآن بشناسیم تا دانسته شود که کدام یک از آنها از مصادیق خیر مطلق یا خیر مقید است. بر این اساس، مصادیق خیر مطلق طیف وسیعی از صفات اخلاقی و رفتارهای نیک اسـت که برخی از آنها عبارتند از: پاداش‌های آخرتی(نحل، آیه ۳۰؛ نمل، آیه ۸۹)، مغفرت الهی(آل عمران، آیه ۱۵۷)، امامان معصوم(هود، آیه ۸۶؛ بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۱۸۸، حدیث ۹)، انس و اذن قبل از ورود به خانه دیگران(نور، آیه ۲۷)، توحید و یکتاپرستی به جای شرک و تثلیث(نسـاء، آیه ۱۷۱)، ایمان به جای کفر(آل عمران، آیه ۱۱۰؛ نساء، آیه ۱۷۰؛ انفال، آیه ۱۹)، صلح به جای جنگ(همان)، صداقت به جای دروغ(حج، آیه ۳۰)، صلاح و اصلاح به جای فساد و افساد(اعراف، آیه ۸۵)، مراعات عدالت با ترازو و پیمانه به جای کم‌فروشی(همان؛ هود، آیات ۸۴ و ۸۵؛ اسراء، آیه ۳۵)، برخورداری از حکمت الهی(بقره، آیه ۲۶۹)، عمـل به واجبات و ترک محرمات به‌ویژه گناهان کبیره(همان؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، حدیث ۱۱۳۲)، احترام به سـائل واقعی و برخورد صحیح با وی(بقـره، آیه ۲۶۳)، اجتناب از صدقات همراه با منت و اذیت(همان)، سخن و گفتار پسندیده و آمرزش خواهی به‌ویژه نسبت به نیازمندان و سائلان(همان)، احسان به مستضعفان(نساء، آیه ۱۲۷)، رفتار نیک(همان)، احسان به زنان یتیم(همان)،عمل به احکام الهی (بقره، آیه ۱۰۶)، قضـاوت و حکومت الهی(اعراف، آیه ۸۷)، تعظیم احکام و تکالیف الهی(حج، آیات ۲۹ و ۳۰)، ارزانی کالا(هود، آیه ۸۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۹، حدیث ۶۱)، اسب(ص، آیه ۳۲؛ مجمع‌البیان، ج ۷ و ۸، ص ۷۴۰)، استماع سخن مردم از سوی پیامبر(ص) و حرف شنوی ایشان(توبه، آیه ۶۱)، اسـلام(قلم، آیه ۱۲؛ مجمع‌البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۵۰۱؛ آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۱۰؛ انفال، آیه ۷۰)، اصلاح امور ایتام(بقـره، آیه ۲۲۰)، اطاعت از خدا و پیامبر و اولی الامر (نسـاء، آیه ۵۹)، گوش دادن به سخنان پیامبر(نساء، آیه ۴۶)، اطعام به مساکین(بقره، آیه ۱۸۴)، تمسک به ریسمان الهـی و قرآن و پیامبر و اهل بیت (آل عمران، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴)، اقامـه نماز(بقره، آیه ۱۱۰؛ مزمل، آیه ۲۰)، اقرار به نبوت پیامبر(یونس، آیه ۵۸؛ تفسـیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳۴، حدیث ۲۹)، تالیف قلوب مؤمنان از سـوی خدا(آل عمران، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴)، امت اسلام(آل عمران، آیه ۱۱۰)، امـر به معروف و نهی از منکر(همان)، حکومت و قدرت و ثروت الهی حاکمان(نمل، آیات ۳۵ و ۳۶؛ کهف، آیات ۹۴ و ۹۵)، امنیت و سلامت در آخرت(فصلت، آیه ۴۰)، انفاق در راه خدا(تغابن، آیه ۱۶؛ روم، آیه ۳۸)، بوسـتان و باغات اخروی(قلم، آیات ۱۷ و ۲۰ و ۳۲)، باقیات صالحات(کهف، آیـه ۴۶؛ مریم، آیه ۷۶؛ کهف، آیه ۴۶)، برادری ایمانی(آل عمران، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴)، بهشت و نعمت‌های ابدی آن(آل عمـران، آیات ۱۴ و ۱۵ و ۱۹۸؛ فرقان، آیه ۱۰؛ نحل، آیه ۳۰)، ثواب و پاداش‌هـای الهی(بقره، آیه ۱۰۳؛ نحل، آیه ۹۵)، پندپذیری و پذیرش موعظه(نسـاء، آیه ۶۶) پیروی از امام علی(ع)(یونس، آیه ۵۸؛ تفسـیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴، حدیث ۲۹)، امر به عدل(نحل، آیه ۷۶)، تفقه در دین اسـلام (بقره، آیه ۲۶۹؛ تفسیر نورالثقلین،ج ۱، ص ۲۸۷، حدیث ۱۱۳۵)، تقوای الهی(بقره، آیه ۱۹۷؛ توبه، آیه ۱۰۹؛ عنکبوت، آیه ۱۶)، تلاوت قرآن به میزان توانایی و میسور بودن(مزمل، آیه ۲۰)، توبه از کفر و شـرک و توطئه‌گری (توبه، آیه ۳)، تهجد و شب زنده‌داری(مزمل، آیه ۲۰)، جهاد بـا مال و جان در راه خدا(بقره، آیه ۲۱۶؛ مزمل، آیه ۲۰)، داشتن حرفه و شغل(نور، آیه ۳۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۳۲، حدیث ۳۴۹۱)، حکومت امام عادل(قدر، آیه ۳؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۸۷، حدیث ۲۳)، خشیت و خوف علمی از خدا(بینه، آیات ۷ و ۸)، حکم و حکومت الهی(اعراف، آیه ۸۷)، پرداخت خمس و زکات(روم، آیه ۳۸؛ بقره، آیه ۱۱۰؛ مزمل، آیه ۲۰)، دین خدا (آل عمران، آیه ۱۰۴)، مراجعه به پیامبر در نزاع و پذیرش داوری و حکومت وی (نسـاء، آیه ۵۹)، رحمت الهـی(آل عمران، آیه ۱۵۷؛ زخرف، آیه ۳۲)، فضل الهی(یونس، آیه ۵۸)، رزق دائمی الهی(طه، آیه ۱۳۱)، رضوان الهی(آل عمران، آیه ۱۵)، رعایت احترام مقام پیامبر(حجرات، آیه ۵)، روزه (بقره، آیه ۱۸۴)، حورالعین(آل عمران، آیه ۱۵؛ الرحمن، آیات ۶۲ و ۷۱)، انجام مناسـک حج از جمله سـعی صفا و مروه(بقره، آیه ۱۵۸)، سـلام کردن بر اهل خانه به هنگام ورود به آن(نور، آیه ۲۷)، شب قدر(قدر، آیه ۳)، قربانی در حج(حج، آیه ۳۶)، شـناخت اسـلام(بقره، آیه ۲۶۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، حدیث ۱۱۳۶)، سلامتی و بی‌نیازی در برابر بیماری و فقر(انبیاء، آیه ۳۵؛ مجمع‌البیان، ج ۷ و ۸، ص ۷۴)، شـهادت در راه خدا (آل‌عمران، آیه ۱۵۷)، شـیعه اهل بیت(بینه، آیه ۷؛ نورالثقلیـن، ج ۱، ص ۲۸۱، حدیث ۱۱۳۰)، صبر و ترک تعجیل در انتقام و مقابله به مثل(نحل، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶)، صبر و خویشتنداری در غریزه جنسی(نساء، آیه ۳۵)، صبر در هنگامه ملاقات پیامبر(حجرات، آیه ۵)، صداقت و راستی با خدا و خلق در مسـیر دین و پذیرش جهاد(محمد، آیه ۲۱)، صدقه به نیازمندان در هنگام نجوا با پیامبر(مجادله، آیه ۱۲)، صدقه آشـکار و نهان(بقـره، آیه ۲۷۱)، صلح و آشتی در خانواده(نساء، آیه ۱۲۸)، عافیت در جان و مال و فرزند(حج، آیه ۱۱؛ کافی، ج ۲، ص ۴۱۳، حدیث ۱)، عبادت و بندگی خدا(اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۴)، عدالت(نساء، آیه ۱۲۷؛ نحل، آیـه ۷۶)، عطایای رضایت‌بخش خدا در آخرت(ضحی، آیات ۴ و ۵)، عفت و پاکدامنی(نور، آیه ۶۰)، عفو در برابر بدی دیگران(نحل، آیه ۱۲۶؛ تحف‌العقول، ص ۲۷۱)، غنمیت در جهاد(احزاب، آیه ۱۹)، پرداخت فدیه به جای روزه(بقره، آیه ۱۸۴)، فرزند صالح و با محبت نسبت به والدین(کهف، آیـات ۸۰ و ۸۱)، قرآن(نحل، آیه ۳۰)، قرض دادن در راه خدا(مزمل، آیه ۲۰)، گفتار پسـندیده (بقره، آیه ۱۶۳)، منافع حلال(هود، آیات ۸۴ و ۸۶)، نبوت و رسالت(زخرف، آیه ۳۲)، نماز جمعه(جمعه، آیات ۹ و ۱۱)، وحی الهی(بقره، آیه ۱۰۵)، ولایت الهی(کهف، آیه ۲۴) و مانند آنها که از مهم‌ترین مصادیق خیر است.

> **هر چیزی که کمال انسانی را تأمین و آخـرت او را تضمین می‌کند، خیر مطلق اسـت؛ از نظر قرآن، خـود آخرت خیر مطلق اسـت که عاقلان عالم آن را بـر دنیا ترجیح می‌دهند و هرگـز چیـزی را فدای آن نمی‌کنند، بلکه دنیای خویش را برای آخرت فدا می‌کنند و با ایثار دنیا، آخرت را می‌طلبند.**

سبقت‌جویی مؤمنان در کار خیر

قرآن تاکید می‌کند که مؤمنان در کارهای خیر شتاب می‌کنند و در انجام آن از همدیگر سـبقت نیز می‌گیرند. (آل‌عمران، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵؛ مؤمنون، آیات ۵۵ و ۵۶؛ فاطر، آیـه ۳۲؛ بقره، آیه ۱۴۸) از نظر قرآن، ملاک برتری امت‌ها همین سـبقت در کارهای خیر و شتاب در آن است.(بقره، آیات ۱۴۵ و ۱۴۸) عواملی چون اجتناب از شرک(مؤمنون، آیات ۵۹ و ۶۱)، ایمان به آیات خدا(همان)، توجه به قدرت خدا(بقره، آیه ۱۴۸)، توجه به معاد(مائده، آیه ۴۸)، خشوع در برابر خدا(انبیاء، آیه ۹۰)، خوف و خشیت از خدا همراه با رغبت و رجا به او (مؤمنون، آیات ۵۷ و ۶۱؛ انبیاء، آیه ۹۰)، خوف از معاد(مؤمنون، آیات ۶۰ و ۶۱) و مانند آنها مهم‌ترین عوامل در سبقت‌جویی و سرعت در کارهای خیر است.

چراغ راه

فقر، نتیجه اسراف و بی‌نیازی، نتیجه اعتدال

قال الامام الصادق(ع): «انّ السـرف یورث الفقر،و ان القصد یورث الغنی».

امـام صادق(ع) فرمود: همانا اسـراف و زیاده‌روی باعث فقر و تنگدستی می گردد و میانه‌روی و اعتدال موجب ثروت و بی‌نیازی می‌شود.(۱)

۱- وسائل‌الشیعه، ج۱۵، ص۲۵۸

حکایت خوبان

مصادیق اسراف و تبذیر

پیامبر اکرم(ص) از راهی عبور می‌کرد، یکی از یارانش به نام سعد مشغول وضو گرفتن بود و آب زیاد می‌ریخت. حضرت فرمود: چرا اسراف می‌کنی ای سعد! عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ حضرت فرمود: آری هرچند در کنار نهر جاری باشی.(۱)

همچنین از آن حضرت نقل شده که روزی دستور دادند رطب برای خوردن حاضران بیاورید. بعضی رطب را می‌خوردند و هسته آن را دور می‌افکندند. حضرت فرمود: این کار را نکنید که تبذیر است و خدا فساد را دوست نمی‌دارد.(۲)

امام صادق(ع) هم می‌فرماید: کسی که در غیر راه اطاعت فرمان خدا مالی را انفاق کند. تبذیرکننده است و کسی که در راه خدا انفاق کند میانه‌رو است.(۳)

۱- اصول کافی، ج۱، ص۳۲
۲- تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ج۳، ص۱۸۷
۳- همان، ص۱۸۸

پرسش و پاسخ

اهم شاخص‌های عقل معاش

پرسش:

با توجه به اینکه یکی از محورهای کمالات هر انسـانی عقل معاش است، از منظر آموزه‌های وحیانی این عقل معاش چه شاخص‌هایی دارد؟

پاسخ:

رئوس کمالات انسان

براسـاس روایتی از امام باقر(ع) رئوس کمالات انسان در سه موضوع تصریح شـده است: «الکمال کل الکمال (ثلاثه): التفقه فی‌الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشـه» همه کمالات انسان در سه چیز می‌باشد: اول شناخت عمیق دین دوم صبر و شـکیبایی در حوادث و پیشـامدهای ناگوار و سوم اندازه نگاه داشتن در امر معاش است.(تحف العقول، ص ۲۱۳) بنابراین روایت مذکور عقل معاش یکی از سـه قله کمالات انسـان در این روایت به حساب آمده است که ضرورت دارد شاخص‌های آن تبیین شود.

شاخص‌های عقل معاش

در کتاب قرآن مجید نسبت به امر معاش مطالب متنوعی مطرح شده است که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان شاخص‌های عقل معاش یا «تقدیر المعیشه» را چنین برشمرد:

۱- رزاق بودن خداوند

از منظـر قرآن کریم خداوند روزی‌رسـان قوی و نیرومند اسـت. «ان الله هوالرزاق ذوالقوه المتین» همانا خداونـد روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است. (الذاریات- ۵۸) اگر در این آیه سه اسم «الله»، «رزاق»، و«ذوالقوه المتین» به کاربرده شده برای این است که بر انحصار روزی دادن در خدای متعال دلالت کنـد و بفهماند که خدا در رسـاندن رزق به روزی خـواران با همه کثرتی که دارند ناتوان و ضعیف شـمرده نمی‌شود. (المیزان، ج ۱۸، ص ۳۸۹) بنابراین هر کدام از موجودات از جمله انسـان نزد خدای متعال رزق مقدر و مشخصی دارد که از آن بهره‌مند می‌شـود. قرآن کریم می‌فرماید: «و ما من دابه فی‌الارض الا علی‌الله رزقها» هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست. (هود- ۶) ایمان به این واقعیت موجب می‌شود تا بسیاری از نگرانی‌هایی که در مورد معیشت و آینده زندگی خود داریم، از بین برود و جای خود را به آرامش و سکون بدهد. ولی در عین حال مشروط به تلاش و کوشش است و هر گاه این شرط حاصل نشود مشروط نیز از میان خواهد رفت. (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۱)

۲- حق مصرف نعمت‌های الهی

نیازهای مادی انسان همچون خوراک، پوشاک و مسکن جنبه عمومی دارد و اسـتثناءپذیر نیسـت. حتی پیامبران و اولیای الهی نیز که در اوج معنویت و ملکوت بوده‌اند، به طور طبیعی، به امکانات مادی نیاز داشته‌اند. قرآن این پندار را که پیامبران همچون فرشتگان نباید به امور مادی نیازی داشته باشند نادرست دانسته است. و می‌فرماید: «ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خورند و در بازارها راه می‌روند (فرقان- ۲۰)

براین اسـاس قرآن کریم به طور مستقیم یا غیر مستقیم مصرف نعمت‌های الهی را تجویز کرده و تحریم اعتقادی یا عملی نعمت‌های مباح را سخت نکوهیده می‌داند. بدین گونه که از یک سو در آیات متعدد تمام نعمت‌ها و امکانات هستی را در خدمت بشـر می‌داند و تصرف انسان در آن و استفاده وی را جز در اموری خاص مجاز شمرده است و اصل را بر اباحه و حلیت مصرف می‌نهد. از سوی دیگر با ترغیب به استفاده از نعمت‌های مباح تحریم آن را بدعت و تشریع جدید می‌داند و خودداری از مصرف آن را سرزنش کرده است. «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا، برای کسـانی است که ایمان آورده‌اند (اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند ولی) در قیامت خالص (برای مومنان) خواهد بود. (اعراف- ۳۲)

۳- امانت بودن اموال و مصرف در حد اعتدال

اغنیا و توانگران در اموالی که دارند از سوی خداوند امین شمرده شده‌اند. پس لازم است چنان عمل کنند که به امانت عمل شود و آن مصرف در حد اعتدال است و حق اسراف و تبذیر را ندارند. (اعراف- ۳۱) واژه اسراف بسیار جامع است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شـود، و این روش قرآن است که هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش فوراً جلوی سـوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند. چون طبع زیاده‌طلب انسان ممکن است از این دو دستور سوء استفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح راه تجمل‌پرستی و اسـراف و تبذیر را پیش گیرد. بلافاصله اضافه می‌کند که خداوند مسرفان را دوست ندارد. قرآن کریم حتی از زیاده‌روی در انفاق هم نهی کرده است (اسراء- ۲۶) تبذیر آن است که انسان اموال خود را غیرمنطقی مصرف کند و معادل آن در فارسـی امروز ریخت و پاش است. به تعبیر دیگر تبذیر آن است که مال در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد. در حالی که اگر در موردش صرف شود تبذیر نیست هر چند زیاد هم باشد.

سلوک عارفانه

تلاش برای تأمین هزینه معاش خانواده یعنی جهاد در راه خدا

یکی از وظایف اختصاصی و اصلی مرد، تأمین هزینه معاش و اقتصادی خانواده است که از آن در لسان روایات به نفقه هم تعبیر شده است. از منظر شماری از روایات، تلاش برای انجام دادن این وظیفه، فضیلتی همانند جهاد در راه خدا دارد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: کسی که برای تأمین هزینه خانواده‌اش و پدر و مادرش، تلاش کند، همانند مجاهد در راه خدا است.(۱) در برخی از روایات، تأمین هزینه خانواده صدقه محسـوب شده است. آن حضرت می‌فرماید: «نفقه الرجل علی اهله صدقه» نفقه مرد به خانواده‌اش صدقه است.(۲)

۱- مستدرک‌الوسایل، ج۱۳، ص۵۵، ح۱۴۷۳۱
۲- کنزالعمال، ج۶، ص۴۱۹، ح۱۶۳۴۴